

وظایف حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

سؤال: امام علیه السلام در غیبت کبری چه مسؤولیت‌هایی را بر عهده دارند؟ و به چه کارها و اعمالی اشتغال دارند؟ و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی می‌گذرانند؟ و در برابر جوامع و افراد و شیعیان، چه برنامه‌ای را اجرا می‌نمایند؟

وظایف حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

سؤال:

امام علیه السلام در غیبت کبری چه مسؤولیت‌هایی را بر عهده دارند؟ و به چه کارها و اعمالی اشتغال دارند؟ و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی می‌گذرانند؟ و در برابر جوامع و افراد و شیعیان، چه برنامه‌ای را اجرا می‌نمایند؟

جواب:

در غیبت کبری کارها و مشاغل و مسؤولیت‌های امام علیه السلام بسیار حساس و مهم است و اگر چه تصرف و بسط ید و حکومت ظاهری بر اوضاع ندارند و رتق و فتق امور را دیگران در اختیار گرفته و نظام حکم و اداره را به خود اختصاص داده و بندگان خدا را استضعاف و استعباد می‌کنند، مع ذلک امام علیه السلام ناظر بر اوضاع می‌باشند و عنایت‌هایی دارند و تصرفاتی می‌نمایند، و بالجمله شؤون امامت و رهبری و زعامت را در حدود امکان متصدی شده و وظایف خود را به نحو احسن و اکمل انجام می‌دهند، خلاصه، عمر طولانی ایشان در اطاعت خدا می‌گذرد، هم تکالیف فردی خویش را انجام می‌دهند و هم بر حسب حکایات متواتر، تکالیف اجتماعی را، آنچه مقتضی و مصلحت باشد، انجام می‌دهند، مانند هدایت اشخاص، یاری دادن مؤمنین بر مخالفین در بحث و احتجاج، حل مسائل مشکل، نصیحت و موعظه افراد، شفای امراض، هدایت گم شدگان و رساندن آنها به مقصد، تعلیم ادعیه، کمک مالی به نیازمندان، فریادرسی گرفتاران و درماندگان و زندانیان، یاری بیچارگان، که بیشتر این اعمال در ضمن ظهور معجزات، از آن حضرت صادر شده است (1).

به نظر اینجانب، یکی از اموری که نشانه تصرف آن حضرت در قلوب و توجه نفس قدسی و اثر عنایت ایشان است، همین بقاء سازمان رهبری و تشکیلات علمی و تبلیغی شیعه، فعالیت حوزه‌های علوم دینی و تالیف کتابها، مجالس تبلیغ، استمرار رشته اجتهاد و استنباط احکام و تأییداتی است که علی‌الدوام علماء و فقهاء از آن برخوردارند که در واقع اگر چه رسماً حکومت از فقهاء که از جانب امام علیه السلام حکام شرعی می‌باشند غصب شده است، مع ذلک حکومت آنها بر قلوب باقی است و مواد اطاعت اختیاری جامعه شیعه از علماء، به مراتب بیشتر از مواد اطاعت اجباری آنها از رژیم است که در هر منطقه و ناحیه برقرار است و از راه ناچاری از آن اطاعت می‌نمایند. اگر با دقت ملاحظه شود، رژیم رهبری امام علیه السلام به واسطه علماء در سر تا سر زمین، در هر نقطه‌ای که يك نفر شیعه باشد، مورد قبول و احترام است، و حاکم همه، شخص حاکم الهی، یعنی حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌باشد.

مساله این است که تاسیسات رهبری شیعه که با يك تعبیر بسیار کوتاه و غیر جامع و نارسا، در زمان ما آن را روحانیت و جامعه روحانیت می‌گویند- با تمام موانعی که از آغاز عصر غیبت کبری تا حال برای بقاء و عرض وجود- و اجرای بر نامه‌ها و مداخله در کارها و امر به معروف و نهی از منکر، مبارزات ایجابی و سلبی، تربیت علماء و هدایت جوامع شیعه، داشته است، در هر عصر و زمان به عنوان قوی ترین بنیاد، وظائف بزرگی را انجام داده و حافظ شیعه از انقراض بوده و هست.

هیچ جمعیت و هیاتی، مثل جامعه روحانیت، هدف تیرهای خطرناک بیگانگان داخلی و خارجی نبوده و نیست. فرق مختلف و اقلیت‌هایی که بیگانگان آنها را به وجود آورده، یا فعلاً به مزدوری و خیانت گرفته‌اند، با روحانیت، سخت دشمن هستند، و از زدن هیچ ضربت کشنده‌ای به این جامعه خودداری نمی‌کنند و حتی با تهمت و بهتان و افترا می‌کوشند تا اذهان عوام و جوانان را نسبت به آنان مشوب، و ایمان مردم را به آنها ضعیف سازند.

تبشیر و استعمار و الحاد و کمونیسم و مکتب‌های مختلف، همه با این طبقه به شدت وارد پیکار شده‌اند، و تمام امکانات مادی و قوایی را که دارند در این پیکار وارد کرده‌اند، و پولهای گزاف و مبالغ سرسام آوری که در راه از پای در آوردن روحانیت، و تزلزل آن صرف می‌شود بیش از حد تصور است.

فقط گاهی آمارهایی که از دستشان در می‌رود و منتشر می‌شود، به ما نشان می‌دهد که بیگانگان خصوصاً حکومت‌های آنها، تا چه از حد از اسلام و نفوذ علمای اسلام در قلوب مردم نگران هستند و آن را ضد منافع خود و مانع در استیلای آنان بر مسلمانان و معادن و ذخائر آنها می‌دانند.

از یکسو زورمندان و طبقه حاکمه که همواره می‌خواسته‌اند به شکل يك واحد ممتاز، انسانها را استعباد نمایند و حکومت فردی داشته باشند و از دیگران حق اظهار رای و حقوق انسانی دیگر را سلب نمایند و مردم را به تعظیم و تکریم خود و اظهار کوچکی و تملق‌هایی که ننگ انسانیت است وادار نمایند این طبقه را برای این مقاصد کثیف، خطر می‌دانستند و برای محو آنها و بی‌ثمر ساختن تبلیغات و اعتراضات

آنها، فعالانه کوشش می‌کردند و حتی اگر می‌توانستند اشتباه کاری کنند، افرادی را می‌ساختند و تحت عناوین و القابی در برابر جامعه روحانیت به اسم عالم و روحانی معرفی می‌کردند!

این اقویا و حکومت‌ها، از ظهور مفاهیم اسلامی و روشن شدن حقایق قرآن سخت‌بیمناکند، زیرا آنجا که قرآن است و آنجا که اسلام است و آنجا که ندای برابری و مساوات
ان اکرمکم عند الله اتقاکم (2)
«همانا گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شما است».

بلند است، و آنجا که بانگ:

و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت (3)
«و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را بپرستید و از بتان دوری کنید».

شب و روز به گوشها می‌رسد، برای حکومت فردی و این تشریفات و تکریم‌ها و فرد پرستی‌ها و این امتیازات و این همه فاصله‌ها و جدائیها، جانی و حسابی نیست.

و این روحانیت است که رساندن و ابلاغ این نداها، و پیاده کردن این برنامه‌ها را به عهده گرفته است.
از سوی دیگر می‌بینیم روحانیت شیعه چون به اصطلاح امروز دولتی نیست یعنی نمی‌تواند در نظامات غیر اسلامی (که متأسفانه در همه نقاط دنیا مسلط هستند) خود را ادغام کند که از آنها حقوق و بودجه بگیرد، و مجری برنامه‌های خاص و معین شده باشد.
اگر چه در نظام اسلامی همه چیز تحت نظر حکومت و نظام اسلام است و رهبر اسلام بر همه امور نظارت دارد، و باید حسن جریان تمام رشته‌ها را کنترل کند و اداره نماید که از جمله رشته تبلیغات و ارشادات و علوم اسلامی و گسترش دادن آن در بین تمام مردم است بطوری که همه و همه، در مسائل اسلامی وارد گردند، و محققان عالیقدر بتوانند به تحقیق و بررسی مشغول باشند.
اکنون که رسماً نظام اسلام بر تمام دنیا حاکم نیست، و نفوذ اسلام و برنامه‌های آن در نفوس باقی است، روحانیت و به عبارت دیگر: روات احادیث اهل بیت علیهم السلام به صورت صنف خاصی شکل گرفته است، و در حقیقت از نظر هر فرد شیعه متوجه و آگاه، روحانیت همان نقش هیات حاکمه را، که باید ناظر بر اوضاع و تربیت و تعلیم و حسن جریان تمام امور باشد، اجرا می‌نماید، ولی هر وقت نظام اسلامی رسماً در تمام دنیا یا در یک جامعه پیاده شود، روحانیت به این شکل فعلی باقی نخواهد ماند که ما در این مقاله در مقام تفصیل و شرح این بحث نیستیم.

مقصود این است که روحانیت از جنبه بودجه و قوه و نظام مالی، نظامی که نیروی انتظامی و قوه مجریه رسمی آن را اجرا نماید ندارد، و این خود مردم هستند که با کمال اختیار و بدون این که تحت فشار مطالبه مامور و باز پرس و بازرسی و اداره تشخیص مالیاتها و ادارات وصول و جرائم باشند، و جوه شرعی خود را تمام و کمال، بدون اینکه یک ریال کمتر بدهند، با نهایت خلوص نیت و با افتخار، ادا می‌کنند.
و عجیب این است که تبلیغاتی علیه پرداخت جوه شرعی به علماء و مراجع در سطوح مختلف و به عناوین بسیار و بطور گسترده، ادامه دارد، مع ذلك تأثیری نمی‌کند و توجه مردم به پرداخت این جوه و تقویت بنیه مالی دستگاه رهبری تشیع، هر روز بیشتر می‌شود.
آری دشمنان می‌دانند که یکی از راه‌های مؤثر در از کار انداختن روحانیت و تعطیل حوزه‌ها و جلوگیری از نشر معارف اسلام و تربیت علما و محققین روحانیت، استخدام کردن و دستگاہی و دولتی کردن افراد روحانی و تضعیف بنیه مالی اسلام می‌باشد، از این جهت با حملات زبانی و قلمی و عملی، و تهمت و افترا و انتشارات فریبنده، می‌کوشند تا سازمان رهبری اسلام و مراکز فکری و تحقیقی و ثقل روحانیت را نیازمند سازند، و همکاریهای مالی مردم را قطع کنند، ولی آنچه ملاحظه می‌کنیم هر چه سعی می‌کنند با وسائل مختلف سمعی و بصری تبلیغی که در دست دارند، مردم را از پرداخت جوه شرعی و سهم مبارک امام علیه السلام (که پر برکت‌ترین و مقدس‌ترین جوه است) باز دارند، رغبت مردم به پرداخت آن جوه بیشتر می‌شود و روز به روز وضع مالی حوزه‌های علمیه، و کمک‌های مالی به مبلغین، محکمتر و زیادت‌تر می‌شود.
چرا؟ برای اینکه خدا می‌فرماید:

یریدون لیطفنوا نور الله بافواهمم و الله متم نوره و لو کره الکافرون (4)

«می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند ولی خداوند، تمام کننده نورش می‌باشد هر چند کفار، اکراه داشته باشند».

چرا؟ برای اینکه قلوب، در تحت تصرف ولایتی امام علیه السلام قرار دارد (5) و هر چه دشمنان بخواهند با تمهیدات و نقشه‌ها قلوب را از علما و نواب امام علیه السلام منصرف سازند، نمی‌توانند.

باید این چراغ روشن بماند و حجت‌های امام علیه السلام در بین مردم باقی بمانند، و همانطور که خدا زمین و خلائق را بدون حجت نخواهد گذارد، امام علیه السلام نیز مردم و شیعیان را بدون حجتی از جانب خود نخواهد گذاشت، و این رشته نیابت و هدایت و حکومت از جانب امام علیه السلام همانطور که از آغاز و از عصر غیبت کبری تا حال منقطع نشده، تا زمان ظهور آن حضرت نیز منقطع نخواهد شد:

لئلا یکون للناس علی الله حجة (6)

«تا مردم بر علیه خداوند حجتی نداشته باشند».

حاصل اینکه امام علیه السلام در عصر غیبت بر امور نظارت دارند، و بطور مطلق از کارها کناره‌گیری ندارند.
اگر گفته شود: حال که چنین است، اگر چه ظهور کلی حضرت صاحب الامر- ارواحنا فداه- متوقف بر حصول شرایط و مقدمات و اذن خداوند متعال است، ولی اگر اینگونه مداخلات و توجیهات و مقابلات و تشریف دادن اشخاص به سعادت لقاء و شرفیابی به حضور آن حضرت بیشتر باشد، که یک ظهور جزئی همیشه در بین باشد، اصلاحات مهمی انجام خواهد شد و بسیاری از مصالح تأمین و مفاصد زیادی دفع می‌گردد.
مثلاً اگر آن حضرت با علماء و زعماء، به نحوی که او را هنگام ملاقات نشناسند و بعد بشناسند، دیداری کند و آنها را راهنمایی بنماید، جریان امور مستقیم می‌شود، پس چرا چنین برنامه‌ای نیست البته خود آن حضرت دانایانتر به وظایف خود هستند و آنچه را وظیفه دارند و به مقداری که مصلحت باشد، این کارها را انجام می‌دهند و یقیناً بهر نحو عمل فرمایند، همان عین وظیفه و مصلحت است.
پاسخ این است که: سخن تمام همین است که گفته شود وظایف و تکالیف حضرت بیشتر از آنچه انجام می‌دهند نیست، و آن حضرت، عالم به

مصالح و موارد هستند، و در حدودی که مصلحت باشد و به نظام غیبت و تربیت امت و آماده ساختن آنها برای ظهور کلی، خلل وارد نشود، اقدام می‌فرمایند.

و اگر بنا باشد که امور تحت نظر مستقیم ایشان قرار بگیرد و استناد علماء و خواص، و بلکه عوام، در اعمال و اقدامات به راهنماییهای شخصی و خاص ایشان باشد، يك باب دیگر باز می‌شود، و نظام دین و نظامی که در عصر غیبت کبری در نظر گرفته شده است، اختلال می‌یابد، و برای هر لقاء و دیدار و استنادی، خرق عادت و ظهور معجزه لازم می‌گردد، و ارتباط با امام علیه السلام در غیبت کبری از غیبت صغری هم بیشتر می‌شود!

بنابر این برنامه و نظام غیبت کبری، همین نظامی است که اجرا می‌شود و از پیش معین شده است، و بیش از این سخن را در این بحث طولانی نمی‌کنیم و به این بیانات بلاغت نظام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کلام را تمام می‌کنیم:

«فلا تستعجلوا ما هو کائن مرصدا، و لا تستبطنوا ما یجیء به الغد، فکم من مستعجل بما ان ادركه و دانه لم یدرکه. و ما اقرب الیوم من تباشیر غد. یا قوم، هذا ابان ورود کل موعود و دنو من طلعة ما لا تعرفون، الا و ان من ادركها منا یسری فیها بسراج منیر، و یحذو فیها علی مثال الصالحین لیحل فیها بسراج ربقا، و یعتق فیها رقا، و یصدع شعبا، و یشعب صدعا فی سترة عن الناس لا یبصر القائف اثره و لو تابع نظره. ثم لیشحذن فیها قوم شحذ القین النصل تجلی بالتنزیل ابصارهم، و یرمی بالتفسیر فی مسامعهم، و یغیقون کاس الحکمة بعد الصوح» (7)

«در پیدایش تباهی‌هایی که واقع خواهد شد و انتظار آن می‌رود، شتاب نکنید، و آن را دیر مپندارید که چه بسیار شتاب کننده‌ای در امری که چون آن را دریابد، آرزو می‌کند که ای کاش به آن نرسیده بود. امروز، چه بسیار به علائم و آثار فردا نزدیک است.

ای گروه مردم، این زمان، موقع آمدن هر موعود، و گاه نزدیک شدن دیدار فتنه‌هایی است که از آن آگاه نیستید. آگاه باشید که هر کس از ما اهل بیت (حضرت صاحب الزمان علیه السلام) که آن فتنه‌ها را درک کند، در تاریکی آن حوادث، با چراغی نور دهنده (هدایت الهی) حرکت می‌کند و بر روش نیکان رفتار می‌نماید، تا آنکه در آن گرفتاریها، ریسمان گمراهیها را بگشاید و اسیر جهل و نادانی را آزاد کند و جمعیت اهل باطل را پراکنده سازد، و تفرقه اهل حق را پیوسته گرداند، در حالی که در پرده و پنهانی از مردم است، و حتی جوینده او نیز او را نمی‌یابد، هر چند که در پی او نظر افکند».

پس از آن گروهی (جهت برابری با اهل باطل و حمایت از دین و امر به معروف و نهی از منکر و استقامت در راه حق) تیز (و نافذ و مؤثر) شوند، مانند شمشیری که آن را شمشیر ساز تیز گرداند، بطوری که دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده شود و تفسیر قرآن در گوش ایشان القا گردد، و شبانگاه، جام حکمت‌بدانان نوشانند، بعد از اینکه، در بامداد هم آشامیده باشند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی

پی نوشتها

1- رجوع شود به «دار السلام» عراقی، «نجم ثاقب»، «جنة الماوی»، «عقیری الحسان» و بحار و غیره. 2- سوره حجرات آیه 13.3- سوره نحل آیه 36.4- سوره صف آیه 8.5- بسیاری به وسیله خواب ارشاد شده‌اند که حتی تعیین بدهی آنها در خواب شده و بعد که رسیدگی کرده‌اند مطابق مبلغ تعیین شده بود، نه کمتر و نه زیادت و از خوابهای عجیب، که دلیل بر عنایات حضرت به جامعه روحانیت است و اینکه این جامعه جند و سپاه آن حضرت می‌باشند، خواب صادق و عجیب آقای حاج ابو القاسم کوپائی اصفهانی است. 6- سوره نساء آیه 165.7- نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه 150.